

رئیس انجمن صنفی روزنامه نگاران استان تهران در گفت‌وگو با «شرق» مطرح کرد

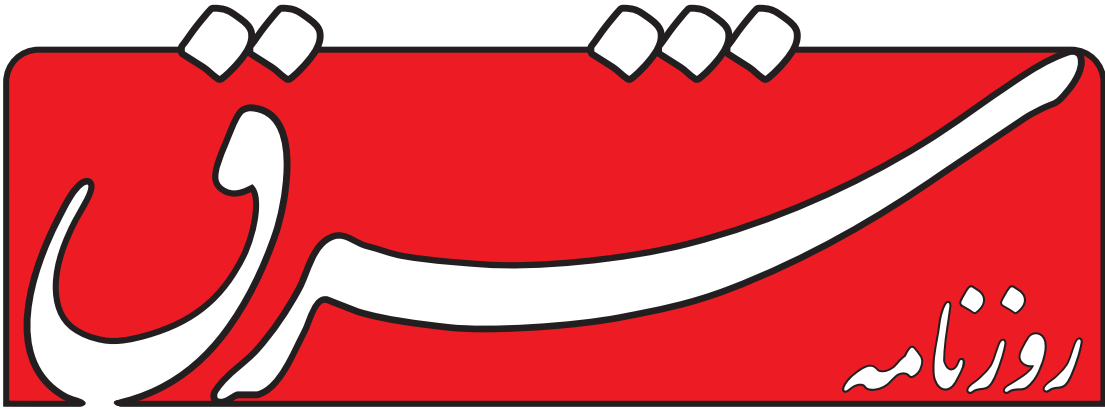
## ضرورت تلاش برای گرفتن مرجعیت رسانه

برای نیلوفر حامدی / ما خبرنگاریم آقای قاضی...

## گفت‌وگو با دو کارشناس درباره

## ضرورت مصونیت خبرنگاران

صفحه‌های ۸ و ۱۰



چهارشنبه ۶ مهر ۱۴۰۱ • ۱ ربیع‌الاول ۱۴۴۴ • ۲۸ سپتامبر ۲۰۲۲ • سال بیستم • شماره ۴۳۸۲ • ۱۲ صفحه • ۱۰۰۰۰ تومان



نقد رادیکالیسم، ضرورت توجه به مطالبات و نفی اعتراض‌های غیرمدنی در گفت‌وگو با جلال میرزایی

## اعتراض مسالمت‌آمیز سیستم را پاسخگو می‌کند

اعتراض‌های مردمی در ۱۰ روز اخیر از ابعاد گوناگون، متفاوت از ادوار پیشین جلوه می‌کند. در این بین رفتارهای خشونت‌آمیز و پنه دور از رفتار مدنی با اعتراض این زنگ خطر را به صدا درآورده است که آیا کشور عملاً در مسیر رادیکالیسم قرار گرفته است؟

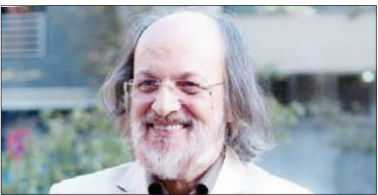
صفحه ۴

در «شرق» امروز می‌خوانید: انتصابات به سبک زاکانی، مهدی طارمی قربانی تفکرات کارلوس کی‌روش؟، بیانیه دوم انجمن صنفی روزنامه نگاران استان تهران و یادداشت‌هایی از ابراهیم ایوبی، امیر عربی

«شرق» از یک وعده بر زمین مانده درباره ساماندهی مطالبات و جلوگیری از آسیب‌های تجمع خیابانی گزارش می‌دهد

# نیاز به آشیانه اعتراض

گزارش تیتربک را در صفحه ۲ بخوانید



پایان یک نوستالژی:

مرور خاطرات امین تارخ با محمدعلی نجفی

## معجزه‌ای که کنار پنجره رخ داد

یادداشت روزنامه‌نگاران

## نگاه ارباب رعیتی از مهران مدیری تا دانشگاه



سیامک رحمانی

واکنش مهران مدیری به مرگ مهسا امینی و درخواست پخش نشدن آتش از سیما فقط یکی از ابراز همدردی‌های روزهای گذشته بود؛ اما پاسخ به این همدلی و حمله‌ور شدن به مدیری، نشان داد سال‌ها همکاری و سکوت هم‌گارتی و حاشیه امنی برای هنرمند و چهره شاخص به وجود نمی‌آورد. درخواست مدیری شاید براساس قراردادهایش قابل اجرا نباشد. جای قضاوت درباره خودش و ارزش کارهایش هم اینجا نیست. ولی تندی‌ها و انگ‌هایی که به او زده می‌شود از همان جنس آشناست. گفتن اینکه تو پول کلانی گرفته‌ای و حق نداری حرف بزنی. اینکه چک داشتی و سازمان کمک کرد تا برگشت نخورد. اینکه اگر صدواسیما نبود الان کی بودی و کجا بودی. بیش از همه این آخری. مثالش علیرضا قزوه، شاعر رسمی کشور که در ادبیاتی باورنکردنی خطاب به مدیری گفته بود: «اگر صدواسیما نبود الان در پایین برره بز می چراندی!»، اینکه چنین تعبیری چقدر شایسته است به کنار، مهران مدیری به تأیید آقای قزوه و مدیر سازمان و این وزیر و آن وکیل نیاز ندارد. از او خوشمان بیاید یا نه، در همه دهه‌های اخیر از تأثیرگذارترین چهره‌های رسانه هنر ایران بوده است. سریال‌هایش جزء پر بیننده‌ترین‌ها بوده و خودش از محبوب‌ترین‌ها. اگر تکویم از برخی جهات محبوب‌ترین، صدواسیما چه دینی بر گردن مدیری دارد که این هنرمند به گردن سیما ندارد؟ او که هر جا رفته موفق بوده. از سینما تا شبکه نمایش خانگی، گران‌ترین و پر بیننده‌ترین کارها را ساخته است. پادمان رفته وقتی از سیما طرد شد، بطور با «قهوه تلخ» همه رکوردهای فروش را جابه‌جا کرد. با کالایی که دانه‌اندازش در سوپرمارکت فروخته می‌شد و مردم پولش را می‌دادند.

ادامه در صفحه ۵

## به نام هستی بخش

**زین دخت عطایی** اسوه صبر و مقاومت و نظم و بنده پاک همیشه شاکر آفریننده هستی، در گذر از هشت دهه زیست پر ابتلا و در ورود به پاپیوس طبیعت رخت از جهان بست و به دیار باقی شتافت. او آرام بی‌قراری بود که در نقش زنی آزادی‌خواه، همسر عزت‌الله سعایی و مادر هاله سعایی درسی‌های گران‌سنگی را از امید و مهر و صلح به همگان آموخت. هرگز فراموش نمی‌کنیم که در لحظه سخت و تلخ پرزردن هاله با خواندن آیه «فاصبر صبراً جمیلاً»، همگی را به آرامش دعوت می‌کرد.

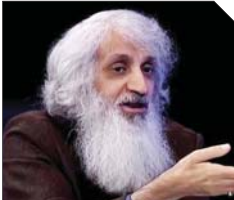
رجوع به صفحه ۲

نظام حقوقی را به هم می‌زند و تفکیک قوا را به چالش می‌کشد. هیچ مسیر قانون‌گذاری جز مجلس نباید وجود داشته باشد. مجلس باید مرکب از نماینده‌های واقعی مردم باشد که وجدان قانون‌های وکلای مستقل در این کشور تضعیف نمی‌شد و مردم اعتماد داشتند و در روند پرونده مهسا امینی وکلای مستقل حضور داشتند و در اصلاح قانون حجاب و حذف گشت ارشاد وکلای دادگستری مستقل دادخواهی می‌کردند. مردم اصلاً نیازی به کف خیابانی کردن مطالبات می‌دیدند؟! اگر نهاد ملی حقوق بشر و شهروندی داشتیم و با یک کمیته حقیقت‌یاب مستقل از حکمرانی مواجه بودیم، اصلاً روش‌های نادرست انتقادی خیابانی و نظم‌گریز شکل می‌گرفت؟! اصلاح رویکرد به نهادهای مدنی در راستای تقویت آنها واجب است.

۳- اغلب به حق اعتراض و تجمع ناظر بر اصل ۲۷ قانون اساسی نگاه مطلقاً امنیتی دارند. نهادهایی در قانون اساسی مثل فرمانده و اصل ۲۷ هست که برای برخی تصمیم‌سازان آلرژی‌آفرین است و کاسی تاب‌آوری برخی جریانات بر حق تجمع مسالمت‌آمیز و انتقاد از حکمرانی را ضعیف می‌کند. خوب این حق قانون اساسی اگر مستقر و محترم باشد، سوپاپ اطمینان مردم خواهد بود. نباید مجاری اعمال حق مردم را بست که منتهی به حرکت‌های کور شود. بستن باب گفت‌وگو و تحمیل قرائت واحد به مردم حتماً آسیب‌زاست و آستانه تحمل مردم را پایین آورده و در مناسبت‌های مختلف بحران می‌آفریند. گاهی حامی‌پرورانه از این اصل استفاده می‌شود. به بخشی اجازه تجمع می‌دهند و بخشی را غیرقانونی می‌خوانند. تسهیل حق تجمع و تأمین امنیت و نظم آن ولو آنکه مخالف تصمیم و اقدام حکمروایی باشد، واجب است.

۴- قانون ابدی نیست و بستن راه اصلاح قانون خطاست. گاه برخی موازین موضوعه نظیر مصوبات شورای عالی نظیر انقلاب فرهنگی یا تصمیمات دستگاه قوه قضا، راه اصلاحی از سوی مردم ندارد. این خط‌ویژه‌سازی‌های ضدحقوقی انسداد ایجاد می‌کند،

ادامه در صفحه ۵



رفتاری تازه از صداوسیما برای مناظره میان با صاحب‌نظران: آیا به حاشیه راندن تک صدایی رسانه‌ای ادامه می‌یابد



## «شیوه» داغ

تقی آزادارمکی: در بحران‌ها طبقه متوسط است که باید میانداری کند؛ ولی نیست

ابراهیم فیاض: مدرنیزاسیون در ایران نمایشی است، همه‌اش پول نفت است



محمد فاضلی: ما تبدیل شده‌ایم به جامعه مسائل حل‌نشده!



حاجی ناصری: جمهوری اسلامی مخالف طبقه متوسط نیست و طبقه متوسط هم مخالف جمهوری نیست

خضریان: حاکمیت قانون چیزی است که همه باید روی آن به اجماع برسیم و قانون، فصل الخطاب باشد



طباطبایی: پلیس باید اقتدار داشته باشد یعنی پلیسی که حامی مردم است. در این شرایط مردم خاطرات بدی از گشت ارشاد دارند

با افزایش اعتراض‌ها به مرگ مهسا امینی و گسترش آن به سایر شهرهای کشور ناگهان شاهد باز شدن درهای صدواسیما به روی مصلحان اجتماعی طردشده‌ای بودیم که به اتهام اصلاح‌طلب بودن یا نبودن در گعده اصولگرایان به‌طور کامل بعد از وقایع ۸۸ جایی در رسانه ملی نداشتند. اقدامی مثبت و بسیار تأثیرگذار در میان افکار عمومی که بالاخره صدواسیما را از تک‌صدایی خارج کرد. هرچند امید به تداوم چنین فضای در آینده نه چندان دور با فروکش کردن اعتراض‌ها شاید خوش‌بینانه باشد اما تجربه این دیدن و شنیدن صدای بخش خاموش شده جامعه که اتفاقاً مخاطبانش در اکثریت قرار دارند، می‌تواند در بازسازی اعتماد عمومی و آشتی بین مردم و رسانه ملی مؤثرتر باشد. این مناظره‌ها در تیم‌های دو نفره بین استاد عبدالکریمی و شهریار زر شناس، محمد فاضلی و سعیدحاجی ناصری، تقی آزادارمکی و ابراهیم فیاضی، سعید شریعتی و جلیل محبی، و شهاب طباطبایی و علی خضریان برگزار شد. «شرق» تا آنجایی که به متن این مناظره‌ها دسترسی داشت خلاصه‌ای از آن را ارائه می‌دهد.

یکی از مناظره‌های کم‌سابقه در تلویزیون مربوط به تقی آزادارمکی، جامعه‌شناس و ابراهیم فیاض، جامعه‌شناس بود که توجه بسیاری از مخاطبان را به خود جلب کرد. به گزارش جماران برخی از نکات مهمی که تقی آزادارمکی در انتقاد از رفتار گشت ارشاد در برنامه «شبه‌وه» گفت، به این قرار است: «این چه گرفتاری‌ای است که ما فکر می‌کنیم جمهوری اسلامی دارد سقوط می‌کند؟! تظاهرات باشد، دنیا پر از تظاهرات نیست؟ فکر می‌کنیم انقلاب کردیم و اسلام وارد ایران شد و شیعه شدیم! ایران یک پدیده تاریخی است.»

این گزارش را در صفحه ۲ بخوانید

## یادداشت

## اعتراض‌ها و راهکار اصلاح‌گرانه



صالح تفره‌کار  
وکیل دادگستری

اعتراض با اغتشاش، حق‌خواهی یا عقده‌گشایی، هر چه بخوایم اسمش را بگذاریم، صحنه‌هایی که در ۱۰ روز گذشته رخ داد، در تجربه زیسته ایرانی، حامل درس‌ها و پیام‌هایی است که به شرح ذیل مطرح می‌شود:

۱- چقدر جای رسانه‌های مستقل و مورد اعتماد مردم خالی است. اگر صدواسیما واقعا ملی بود و صدای همه در آن شنیده می‌شد، بخش‌های درخور توجهی از مردم سراغ روایت‌های غرض‌ورزانه رسانه‌های وابسته به آمریکا و انگلیس و عربستان نمی‌رفتند. برای آن رسانه‌ها خیر عمومی ایران پیشی ارزش ندارد. در پلن سیاسی کاری رسانه‌های وابسته به پول قدرت‌ها، نوعی تقنن است که عزت و اعتبار ایرانی را با سیاه‌نمایی‌های هزاران برابر ارائه دهند و ایرانیان را در برابر هم قرار دهند و مزد خود را بگیرند؛ اما وقتی در داخل همه صداها امکان شنیده شدن داشته باشند و گفت‌وگو در جامعه شکل بگیرد و سانسور و حذف قیوم‌مانه رخت برینند و ده‌ها رسانه فراگیر باشد، مسئله این قدر بغرنج نمی‌شود. اصلاح قانون در انحصار نداشتن صدواسیما یا پذیرش تک‌تکر واجب است.

۲- اعتراض‌های بی‌سر، دست‌وپا زدن مخرب در دامن می‌زند. نهادهای مدنی و جمعیت‌ها و احزاب صدای مردم از دلان یک تجمع منسجم هستند و ساختارمند کردن و احترام به کنشگری آنها قوتی برای طرح مطالبات مردم به‌عنوان حلقه واسطه با حکمرانی است. اگر جامعه مدنی نحیف و تضعیف شد، جامعه محملی برای انتقال مطالبات و اصلاح حکمرانی ندارد و دست به

## سرمقاله

## چگونه حال یک ملت خوب می‌شود؟



محسن هاشمی رفسنجانی

ضمن عرض تسلیت و همدردی با خانواده گرامی مهسا امینی، این روزها، این جمله را زیاد می‌شنویم که «حالم خوب نیست»، از مردم عادی تا هنرمندان و چهره‌های مشهور تا مسئولان، حتی اگر به زبان هم نیاورند، حال خوشی ندارند و علت آن نیز غم جمعی است. دو هفته از واقعه گذشته است و غم او التیام نیافته و با غم‌های دیگری تازه شده است. شهرهایی درگیر ناآرامی است و تعدادی از معترضان دستگیر شده‌اند. تعدادی مجروح و مصدوم شده‌اند و ده‌ها نفر کشته شده‌اند. شاید این پرسش برای همه ما مطرح باشد که چگونه «حال جمعی‌مان» خوب می‌شود؟ پرسش دشواری است و پاسخ آن به عملکرد همه وابسته است. در این فرصت تلاش می‌کنیم تا برخی راهکارها را بیابیم. ابتدا از رئیس‌جمهور آغاز می‌کنیم: بالاترین مقام اجرایی کشور، جناب آقای رئیسی از چهارشنبه‌شب که این حادثه رخ داد تا جمعه عصر سکوت پیشه کرد و پیش از سفر به نیویورک در تماسی تلفنی با خانواده وی همدردی کرد و سپس عازم اجلاس سازمان ملل شد و در طول سفر نیز تقریباً سکوت خود را ادامه داد. اکنون که از سفر بازگشته، با جملاتی کلیشهای از ورود جدی به این موضوع خودداری کرد. افکار عمومی از ایشان انتظار دارد که به‌عنوان رئیس نهاد دولت، رئیس شورای عالی امنیت ملی و شورای عالی مجازی و شورای عالی انقلاب فرهنگی و... پاسخگو باشد و مسئولیت بپذیرد. به‌ویژه آنکه این حادثه در مجموعه نیروی انتظامی رخ داده که فرمانده کل قوا، اختیارات خود را به وزیر دولت تفویض کرده است و دولت اختیارات کافی برای رسیدگی و برخورد با تخلفات احتمالی را دارد. هم‌اکنون در اجتماعات اعتراضی برخی شعارها علیه نظام است. درحالی‌که اگر مسئولان، مسئولیت بپذیرند و پاسخ‌گو باشند، تراکم ناراضیاتی‌ها و شعارها به سوی سطوح بالای نظام متمرکز نمی‌شود. امیدواریم جناب آقای رئیسی، به‌صورت مؤثر و نه تبلیغاتی به موضوع رسیدگی کنند، تا هم معترضان احساس نکنند که با وجود گذشت حادثه‌ای چنین متأثرکننده، که افکار عمومی داخل و حتی بین‌المللی را متأثر کرده است، نه مقام مشخصی عذرخواهی کرده، نه مقامی برکنار شده است، نه با متخلفان برخورد شده، نه فرایندی مورد تجدیدنظر قرار گرفته است.

نکته دوم، فقدان راس و مدیریت مؤثر برای این اعتراضات است، گرچه برخی افراد می‌خواهند طی سنسازبوهایی این اعتراضات را به توطئه‌های پیچیده خارجی مرتبط کنند، اما هنوز دلیل و مستندی در این‌باره ارائه نشده است. جنبش بی‌سر، اصطلاحی است که برای این نوع اعتراضات به‌کار می‌رود و باید بپذیریم که اگر از چهره‌های کاریزماهای انقلاب و دلسوزان ایران، برای جنبش استفاده نشود، طبیعتاً دیگرانی که دل در گرو این آب‌وخاک ندارند، از آن استفاده می‌کنند. یکی از رسالت‌هایی که از نخبگان سیاسی انتظار می‌رود، ایفای نقش نمایندگی مطالبات معترضان در چارچوب انقلاب است. به تعبیر مرحوم آیت‌الله حائری‌شیرازی: آیت‌الله هاشمی‌رفسنجانی در اعتراضات سال ۱۳۸۸، چنین نقشی را ایفا کرد و کوشید با پیگیری مطالبات معترضان، بخش‌های بزرگی از جامعه را در چارچوب انقلاب نگه دارد. خطبه تاریخی ۲۶ تیر ۱۳۸۸، نماد این تلاش بود و ایشان برای ایفای چنین نقشی هزینه سنگینی نیز پرداخت کرد و تخریب‌های فراوان را متحمل شد. اکنون نیز رسالت نخبگان و مقامات سیاسی داخلی این است که تلاش کنند مطالبات معترضان را در چارچوب انقلاب دنبال کنند و بهای این نمایندگی را نیز با تحمل تخریب‌ها و فشارهای احتمالی بپردازند.

نکته سوم لزوم هوشیاری و هوشمندی معترضان است. اعتراضات اخیر با اعتراضات سال‌های ۱۳۷۸ و ۱۳۸۸ که ماهیتی سیاسی و دی‌ماه ۱۳۹۶ و آبان ۱۳۹۸ ماهیتی اقتصادی داشت، متفاوت است و ماهیت اجتماعی و بروز ناراضیاتی‌های انباشته‌شده و مطالبات پاسخ‌داده‌نشده را دارد و از این‌رو معترضان احساس می‌کنند که سیستم کنونی فاقد توانایی پاسخ‌دادن به اعتراضاتشان است و از همه عبور کرده‌اند، درحالی‌که به تعبیر آیت‌الله هاشمی‌رفسنجانی، قانون اساسی فعلی نیز ظرفیت‌های خوبی برای اصلاح و حل مشکلات دارد. اگر معترضان مسیر تغییر ساختار و عبور از نظام را ادامه دهند و خشونت نیز از هر دو سود ادامه پیدا کند، همه جامعه بازنده خواهد بود. درحالی‌که قانون اساسی سازوکارهایی نظیر اصل ۲۷ مبتنی بر آزادی اجتماعات یا اصل ۵۷ مبتنی بر فرمانده و همه‌پرسی عمومی دارد که می‌توان در صورت بازکردن فضا مطالبات را در قالب این اصول و به‌صورت مسالمت‌آمیز پیگیری کرد. اگرچه شاید امروز بخشی از معترضان امید و اعتماد خود را به نیروهای سیاسی داخل نظام از دست داده باشند، اما اگر امکان فرصت‌طلبی، از جریانات سیاسی صداقت و وفاداری ببینند، امکان بازگشت بخش زیادی از معترضان به راهکارهای قانونی وجود دارد.

نکته چهارم، بخشی از مسئولان هنوز این اعتراضات را جدی نگرفته‌اند و تصور می‌کنند با قدری سخت‌گیری و برخورد سخت اعتراضات جمع خواهد شد، اولاً که معترضان به وضعیت موجود را نباید صرفاً در اجتماعات خیابانی این روزها منحصر کرد. به‌دلیل خطر برخورد و بازداشت، بسیاری از مردم ناراضیاتی خود را با شیوه‌های دیگری مانند اعلام نظر در شبکه‌های اجتماعی بیان می‌کنند، اما اگر طرف چند روز آینده این اعتراضات از عرصه خیابان جمع شود، آیا مسئله حل می‌شود؟ یا آنکه زخمی کهنه و مطالبه‌ای پاسخ‌داده‌نشده بر زخم‌های قبلی افزوده می‌شود و به بهانه‌های دیگر سر باز می‌کند. پس اگر دل در گروی آینده‌ای روشن و انقلاب داریم، همه توان خود را بر حل مسئله در امروز متمرکز کنیم و انتقال آن به فردا.